

## **From Conflict to Development: A Comparative Study of Theories and Foundations of Environmental Law with *Lā Dararr* Principle <sup>1</sup>**

**Mostafa Abbasi Moghaddam**

Associate Professor of the Department of Quranic and Hadith Sciences ;  
Kashan- Iran; abasi1234@gmail.com

**Fahimeh Gholaminejjad** 

Ph.D Student of Quranic and Hadith Sciences Kashan University . Kashan- Iran;  
(Corresponding Author); fahimeh.gholaminejad@grad.kashanu.ac.ir

**Justārḥā-ye  
Fiqhī va Uṣūlī**

Vol.9, No.31  
Summer 2023

---

Receiving Date: 2022-02-16; Approval Date: 2022-09-04


---

101

### ***Abstract***

The principle of *Lā Dararr* in environmental jurisprudence, focusing on the Qur'ānic verses that indicate the principle of «*Lā Haraj*» and the narration related to Samarat bin Jundab which was narrated from the Prophet of Islam, has addressed the instability of current environmental law foundations. By a descriptive-

---

1. Gholaminejjad - F; (2023); " From Conflict to Development: A Comparative Study of Theories and Foundations of Environmental Law with *Lā Dararr* Principle"; *Jostar\_ Hay Fihi va Usuli*; Vol: 9; No: 31; Page: 101-129;  [10.22034/JRJ.2022.61100.2295](https://doi.org/10.22034/JRJ.2022.61100.2295)

© 2023, Author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

analytical method, this study examines the five jurisprudential concepts and meanings of *Lā Ḍararr* in comparison with the basics of environmental law. The promoters of these foundations believe that by grounding humans in environmental rights, mankind can experience a healthier and safer life and prevent its environmental crisis with just legislation. But, the Islamic rethinking about the theories of environmental laws indicates that the true acceptance *Lā Ḍararr* principle provides a different view of the interaction between humans and the surrounding environment. Human beings generally should reduce their material and emotional desires, because *Tazāḥum* (conflict) and *Iḍrār* (damage) are the natural result of an extravagant society, so a detailed reference to the sources of Islamic jurisprudence corrects the fundamentals raised in environmental law. Also, the inconsistency of the premises and results and the lack of comprehensive investigation of all aspects related to the environment has caused thought-provoking criticisms on these foundations and theories.

**KeyWords:** The Holy Qur'ān, *Lā Ḍararr* Principle, Environmental Jurisprudence, Fundamentals of Environmental Laws.

# از تراحم تا تکامل: مطالعه تطبیقی نظریات و مبانی حقوق محیط زیست با قاعده لا ضرر<sup>۱</sup>

مصطفی عباسی مقدم

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان؛ کاشان- ایران.

abasi1234@gmail.com

فهیمة غلامی نژاد 

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان؛ کاشان- ایران (نویسنده مسئول)

fahimeh.gholaminejad@grad.kashanu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳



از تراحم تا تکامل:  
مطالعه تطبیقی  
نظریات و مبانی حقوق  
محیط زیست با قاعده  
لا ضرر  
۱۰۳

## چکیده

قاعده لا ضرر در فقه محیط زیست با تمرکز بر آیات قرآنی دال بر قاعده لا حرج و روایت مربوط به سمرة بن جندب که از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده، عدم ثبات مبانی حقوق محیط زیست کنونی را هدف قرار داده است. در این پژوهش، با روش توصیفی تحلیلی، مفاهیم و معانی پنج گانه فقهی قاعده لا ضرر در مقایسه با مبانی حقوق محیط زیست بررسی می شود. مروجین این مبانی معتقدند: با محور قرار دادن انسان در حقوق محیط زیست، بشر بتواند زندگی سالم تر و ایمن تری را تجربه کند و با قانون گذاری

۱. غلامی نژاد، فهیمة و دیگران. (۱۴۰۲). از تراحم تا تکامل: مطالعه تطبیقی نظریات و مبانی حقوق محیط زیست با قاعده لا ضرر. فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی. (۹). ۲. ۳۱. صص: ۱۰۱-۱۲۹.

صرف، از بحران زیست‌محیطی آن جلوگیری کنند؛ لکن بازاندیشی اسلامی در مورد نظریات حقوق محیط‌زیست، حاکی از آن است که پذیرش راستین سازوکار قاعده لا ضرر، تلقی متمایز از برهم‌کنش انسان و محیط پیرامون را ارائه دهد. انسان به صورت کلی باید از تمایلات مادی و نفسانی خویش بکاهد؛ زیرا تراحم و اضرار نتیجه طبیعی جامعه زیاده‌خواه است، لذا مراجعه تفصیلی به منابع فقه اسلامی، مبانی مطرح‌شده در حقوق محیط‌زیست را تصحیح می‌کند. همچنین ناهماهنگی مقدمات و نتایج و عدم استقصای جامع تمامی جوانب مرتبط با محیط و انسان، نقدهای تأمل‌برانگیز وارد بر این مبانی و نظریات است.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم، قاعده لا ضرر، فقه محیط‌زیست، مبانی حقوق محیط‌زیست.

#### مقدمه

در سال‌های اخیر و اواخر قرن ۲۰ میلادی، اندیشه‌های بحران زیست‌محیطی و حق محیط‌زیست سالم و پاک در اعلامیه‌ای که در اجلاس ملل متحد، استکهلم ۱۹۷۲، راجع به محیط‌زیست انسانی درج شد، دیده می‌شود (لوسانی، ۱۳۷۵، ۳۲). اصل اول اعلامیه فوق با این عبارت شروع می‌شود: «هر انسانی از حقوق بنیادی آزادی، تساوی و شرایط متناسب زندگی در محیط مناسبی برخوردار است که برای او حیات باکرامت و رفاه را فراهم می‌آورد.» اعلامیه ریو<sup>۱</sup> راجع به محیط‌زیست و توسعه، ۱۴ ژوئن ۱۹۹۲، رهیافت محتاطانه‌تری را اتخاذ کرده و این‌گونه بیان داشته است: «انسان‌ها به داشتن زندگی سالم و پر بار هماهنگ با طبیعت، مستحق تلقی می‌گردند.» این اعلامیه از سخن گفتن درباره حق ناظر بر محیط‌زیست سالم خودداری ورزیده است اما تکلیف دولت‌ها در حمایت از محیط‌زیست طبیعی را مورد تأکید قرار می‌دهد (تاموشات، ۱۳۹۱، ۱۴۱). اخیراً جامعه بین‌المللی در عرصه حفاظت محیط‌زیست دیدگاه خود را بر اقدامات پیشگیرانه‌تری معطوف ساخته است. این امر با نگرش

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۱

تابستان ۱۴۰۲

۱۰۴

۱. در سال ۱۹۹۲ میلادی اجلاس سران زمین با موضوع: توسعه پایدار در ریودوژانیروی برزیل (از سوی سازمان ملل) برگزار شد و در نهایت منجر به صدور اعلامیه ریو توسط سران ریو شد. این اعلامیه یک چارچوب معاهداتی درباره تغییرات اقلیم، یک چارچوب معاهداتی درباره تنوع زیستی، تأسیس صندوق اعانات زیست‌محیطی بانک جهانی، تجهیز امکانات زیست‌محیطی جهانی و ۲۱ برنامه برای اجرا بود (ابراهیمی سالاری صالح‌نیا و لشکری پور، ۱۳۹۲، ۲).

سنتی که بر اساس آن مسئولیت به دولتی منتسب می‌شود که باعث زیان شده باشد، مغایر می‌نماید. اصل ۲۲ اعلامیه استکهلم از دولت‌ها درخواست نموده تا در توسعه حقوق بین‌الملل درباره مسئولیت و جبران زیان‌های ناشی از آلودگی و خسارات فراسرزمینی همکاری نمایند. بدین ترتیب اقدامات پیشگیرانه جایگزین این شد تا دولت‌های آسیب‌دیده به دنبال اثبات خسارت خویش شوند (والاس و مارتین ارتگا، ۱۳۹۲، ۳۱۴-۳۱۳). باید اذعان کرد، محوریت انسان در حقوق زیست‌محیطی از جنبه‌های ماهوی قابل بررسی است. نویسندگان این مقاله تلاش کردند، با بررسی و دقت در قواعد فقهی اسلامی، راه‌حلی روشنی‌بخش از حفاظت زیست‌محیطی که از قاعده لا ضرر به دست می‌آید، ارائه دهند.

این نوشتار با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و اسناد با شیوه توصیفی-تحلیلی، اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

- تبیین مفهوم و مفاد قاعده لا ضرر نزد فقهای فریقین، خصوصاً فقهای شیعه، و دلایل و مستندات عقلی و نقلی آن؛
- بازخوانی مبانی و نظریات حقوق محیط‌زیست و توجه به نقاط قوت و ضعف آن‌ها؛
- ارائه ظرافت‌های مطرح در بازانندیشی مؤلفه‌ها و مبانی حقوق محیط‌زیست در بستر فقه اسلامی با تأکید بر قاعده لا ضرر.

به نظر می‌رسد که شناخت سازوکار قاعده لا ضرر در فقه محیط‌زیست به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی مورد استناد فقها در حفظ حقوق زیست‌محیطی نقش مؤثری در راستای بازانندیشی مبانی حقوق محیط‌زیست داشته باشد.

برای حقوق محیط‌زیست عمری بیش از پنجاه سال نمی‌توان تصور کرد. در واقع اجلاس سازمان ملل متحد که در ماه ژوئن سال ۱۹۷۲ و با عنوان انسان و محیط‌زیست برگزار شد، بنای چنین مطالعاتی را پایه‌ریزی کرد (محقق داماد، ۱۳۹۴، ۱۴). اما در فقه اسلامی، برهم‌کنش انسان و طبیعت را می‌توان از همان ابتدای شریعت یعنی زمان پیامبر اسلام ﷺ و پس از آن بزرگوار در کلام امامان معصوم علیهم‌السلام، مواردی که تلویحاً یا تصریحاً به محیط‌زیست می‌پردازد، جست (فهیمی و عرب‌زاده، ۱۳۹۱، ۱۸۸). آثار ذیل به نحو اعم، به حفظ محیط‌زیست در پرتوی قواعد فقه توجه کرده‌اند:

از تراجم تا تکامل:  
مطالعه تطبیقی  
نظریات و مبانی حقوق  
محیط‌زیست با قاعده  
لا ضرر  
۱۰۵

حامد مایلی در تحقیقی «بایسته‌های حفظ محیط‌زیست در پرتوی قواعد فقه» را معرفی و ارزیابی کرده است (ر.ک: مایلی، ۱۳۹۷). عباس گوهری و مهدی بیژنی در مقاله «مسئولیت مطلق در تخریب محیط‌زیست» به بررسی حمایت محیط‌زیست در برابر تخریب پرداخته و دیدگاه طبیعت‌محور (بیونس‌تریک) و دیدگاه انسان‌محور (آنتروپوس‌تریک) و از منظر فقهی، دیدگاه انسان-طبیعت‌محور (آنتروپوس‌تریک) را مورد توجه قرار داده‌اند (ر.ک: گوهری و بیژنی، ۱۳۹۰). حسن‌پور و دیگران نیز در تحقیق خود با عنوان «کاربرد قاعده لا ضرر در حفاظت از محیط‌زیست و معماری در راستای ارائه مدلی برای شهرسازی اسلامی و ایرانی» برخی از مسائل زیست‌محیطی را در قالب قاعده لا ضرر بررسی کرده‌اند (ر.ک: حسن‌پور، موسوی بجنوردی و ابن‌تراب، ۱۳۹۸). همچنین بهرامی‌احمدی و فهیمی در پژوهش خود به طرح نظریات زیست‌محیطی پرداخته‌اند (ر.ک: بهرامی‌احمدی و فهیمی، ۱۳۸۶). فهیمی و عرب‌زاده در مقاله خود با عنوان «مبانی فقهی حقوق محیط‌زیست» فهرستی از قواعد زیست‌محیطی فقهی را مورد توجه و بررسی قرار داده‌اند (ر.ک: فهیمی و عرب‌زاده، ۱۳۹۱)؛ در واقع در این مقاله به صورت کلی قواعد فقهی و احکام فقهی از جمله قاعده لا ضرر، قاعده اتلاف، قاعده ضمان ید و قاعده مصلحت و ... در راستای حفاظت از محیط‌زیست بیان شده است. در حقیقت در این مقاله اشاره مختصر به قاعده لا ضرر شده است لیکن باید گفت به رغم اهمیت بررسی مجزای قاعده لا ضرر تاکنون اثری مستقل در باب بررسی تطبیقی قاعده لا ضرر با نظریات و مبانی حقوق محیط‌زیست، نگاشته نشده است. به همین دلیل این پژوهش، پژوهشی نو در این زمینه به شمار می‌آید.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۱

تابستان ۱۴۰۲

۱۰۶

## ۱. مفهوم‌شناسی قاعده لا ضرر و لا ضار و مستندات نقلی و عقلی آن

مراجعه تفصیلی به منابع اسلامی با هدف شناخت مفاهیم تأثیرگذار در تأیید یا رد نظریات حقوق محیط‌زیست و کاستی‌های آن، باعث درک بهتر موضوع می‌شود: قاعده «لا ضرر» از قواعدی است که در بیشتر ابواب فقهی از جمله معاملات و عبادات جریان دارد و در واقع از قواعد حاکمه فقهی مدنی است؛ بدین معنا که بر هرگونه مقرر شرعی حکومت کرده و تعدی از حدود را اجازه نمی‌دهد (فرحی،

۱۴۳۰ق، ۵۹۸: صدر، ۱۴۲۰ق، ۳۴۹). یکی از کاربردهای این قاعده در «محیطزیست» است. در حقیقت گاهی فقه به ساحتی از زندگی بشر اضافه می‌شود و به بعد خاصی عنایت دارد مثل فقه محیطزیست، پس فقه محیطزیست شامل باید‌ها و نباید‌های دینی و فقهی در خصوص محیطزیست است (خمینی، ۱۴۲۷ق، ۱/۴۴). شهید اول مدعی است که فهم کل فقه به پنج قاعده کلی برمی‌گردد که یکی از این قواعد، قاعده «نفی ضرر» است (شهید اول، بی‌تا، ۱۴۱). شهید مطهری نیز معتقد است: «از جمله جهاتی که به دین اسلام خاصیت تحرک و انطباق بخشیده و آن را زنده و جاوید نگه می‌دارد این است که یک سلسله قواعد و قوانین در خود این دین وضع شده که کار آن‌ها کنترل و تعدیل قوانین دیگر است. فقها این قواعد را قواعد حاکمه می‌نامند؛ مانند قاعده لا حرج و قاعده لا ضرر که بر سرتاسر فقه حکومت می‌کنند. در حقیقت اسلام برای این قاعده‌ها نسبت به سایر قوانین و مقررات خود حق و تو قائل شده است.» (مطهری، ۱۳۶۹، ۱۲۴). قاعده لا ضرر آمار کاربردی فراوانی در فقه شیعه و اهل تسنن دارد، به گونه‌ای که در فقه شیعه ۶۵۰ مسئله و در فقه اهل تسنن ۲۰۰ مسئله مبتنی بر آن است. در بحث اضرار به نفس نیز ۵۰ فرع مبتنی بر این قاعده هست که مجموعاً ۹۰۰ مسئله و فرع فقهی در فقه فریقین به این قاعده استناد داده شده است (حسن‌زاده و دیگران، ۱۳۹۸، ۱۳۴).

قاعده لا ضرر مستند به آیه ۲۳۳ سوره بقره، روایات، عقل و اجماع است. در ادامه به برخی از این مستندات اشاره خواهد شد.

## ۲. مستندات نقلی قاعده لا ضرر در قرآن کریم و روایات

خداوند در سوره بقره می‌فرماید: ﴿لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ... وَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ﴾ (بقره/۲۳۳). بر همین مبنا مفسران از این آیه، قاعده «لا حرج» یا «لا ضرر و لا ضرار» را استنباط می‌کنند (طوسی، بی‌تا، ۲/۲۶۰).<sup>۱</sup>

۱. آیه دیگری که به مسئله عدم عسر و حرج در دین اسلام اشاره دارد، آیه ﴿فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جُنْأًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (بقره/۱۸۲) است. این آیه به مسئله ارث و وصیت اشاره دارد و این که اگر یکی ←

از نزاحم تا تکامل:  
مطالعه تطبیقی  
نظریات و مبانی حقوق  
محیطزیست با قاعده  
لا ضرر  
۱۰۷

در کتب مختلف فقهی نیز ذیل ابواب مختلف و مسائل گوناگون از جمله آداب تجارت، حق شفعه، احیاء موات و ارث به این قاعده استناد شده است. برای نمونه رسول خدا ﷺ فرمود: «لا ضرر و لا ضرار علی المؤمن» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۲/۱۸). این حدیث همچنین با عبارت کوتاه «لا ضرر و لا ضرار» نیز در کتب روایی وارد شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۵/۱۸). این عبارت کوتاه شده، اغلب در جواب پرسش کنندگان مسائل فقهی مختلف از معصومین علیهم السلام بوده است. این روایت از روایات مستفیض و مشهور نزد فریقین است. بنابراین، اختلاف الفاظ در متن روایت خدش‌های به معنای آن وارد نمی‌کند. علاوه بر این که سندش در برخی طرق صحیح یا موثق است و شکی در صدور آن از معصوم علیه السلام نیست (خویی، ۱۴۱۷، ۵۱۸/۲). شکل سوم روایت «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» است. در مورد وجود یا عدم قیود «فی الاسلام» و «فی المؤمن» آنچه پس از تأمل در اسناد احادیث به دست می‌آید این است که وجود قید «فی الاسلام» به دنبال حدیث «لا ضرر» ثابت نیست؛ زیرا روایاتی که این قید را در بردارند از مرسلات بوده و در حدی نیستند که بتوان به آن اعتماد کرد<sup>۱</sup> (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ۸۲). قید «علی المؤمن» هم از زراره نقل شده است ولی باید توجه داشت خود زراره به علاوه ابو عبیده این حدیث را بدون قید آورده‌اند. پس اولی این است که حدیث را بدون قید در نظر بگیریم (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ۸۵). مشهورترین روایت از روایات فوق مربوط به روایت «سمرة بن جندب» است؛ به این صورت است که شخصی نصاری که درخت سمرة در خانه‌اش بود، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آید و از حضور بدون اذن سمرة در خانه‌اش شکایت می‌کند. پیامبر صلی الله علیه و آله از سمرة می‌خواهد درخت را به نصاری

#### جستارهای فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۱  
تابستان ۱۴۰۲

۱۰۸

→ از طرف‌ها از انحراف وصیت‌کننده و تمایل به یکی از ورثه یا گناهی از جانب وی ترسید گناهی بر او نیست که بین آن‌ها اصلاح کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ۲۸). از دلایل قرآنی دیگر بر قاعده مزبور عبارتند از: «لَا يَشْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ» (نساء/۹۵)، «وَلَا يُضَارُّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ» (بقره/۲۸۲)، «وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقْنَ عَلَيْهِنَّ» (طلاق/۶)، «وَلَا تُنْسِكُوهُنَّ ضَرَارًا لَتُعْتَدُوا» (بقره/۲۳۱)، «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ» (توبه/۱۰۷) و «مَنْ بَعْدَ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ ذَيْنَ غَيْرِ مَضَارٍّ» (نساء/۱۲). در تمام آیات مزبور از اضرار جلوگیری نموده است و هرگونه ضرر را ممنوع می‌سازد (جعفری تبریزی، ۱۳۴۹، ۱۲۵).

۱. مرسله صدوق، مرسله ابن اثیر، مرسله طریحی.



واگذارد و در عوض آن، یک درخت در مکانی دیگر از پیامبر ﷺ بگیرد. نهایتاً سمره مجاب نمی‌شود که حتی در مقابل درختی در بهشت درختش را واگذار کند و رسول خدا ﷺ دستور می‌دهد درختش را قطع کنند و می‌فرمایند: تو شخص آسیب‌رسانی هستی درحالی که ضرر و زیان در حق کسی روا نیست (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۹۴/۵). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، حضرت تصرف مالک در ملکش را مقید به این کرده است که مستلزم اضرار به دیگران نباشد (الخشن، ۱۳۹۵، ۱۲۰). در جمله رسول خدا ﷺ دو کلمه «ضرر» و «اضرار» آمده و به یقین صرفاً برای تکرار کلمات و بدون بار معنایی نبوده است. تفاوت میان ضرر و اضرار آن است که ضرر مطلق ورود خسارت به دیگری است و حتی شامل جایی که کسی با اعمال مجرمانه موجب ضرر دیگری می‌شود، هست ولی اضرار جایی است که کسی برای اعمال حق خویش یا عملی که در شرایط عادی مجاز است، موجبات زیان به دیگری را فراهم می‌سازد (محقق داماد، ۱۳۹۴، ۲۲۴-۲۲۵). همچنین در مفهوم عبارت «لا ضرر و لا اضرار» علما و دانشمندان فریقین دیدگاه‌های متفاوتی ارائه داده‌اند. بیشترین اختلاف بر سر تفسیر «لا» در این عبارت است. مرحوم نراقی «لا» را نافیه می‌گیرد با این توضیح که هرکس در اسلام به دیگری ضرر بزند باید جبران کند و ضرری که جبران‌پذیر نباشد در اسلام وجود ندارد. منظور از «ضرر» هم مطلق ضرر است (نراقی، ۱۴۰۸، ۱۷/۱-۱۸). بنا به دیدگاه شیخ انصاری نیز «لا» نافیه است؛ یعنی این که حکم ضرری در اسلام وجود ندارد (انصاری، ۱۴۱۹ق، ۲/۴۶۰). آخوند خراسانی «لا» را «نفی حقیقی» معنا می‌کند و آن را کنایه از نفی آثار می‌گیرد. معنای «اضرار» را هم تأکیدی می‌داند نه این که به موجب «ضرر»، مضارّ باید خسارت بدهد و این به معنای برداشته شدن احکامی است که ضرر آن‌ها اثبات شود (خراسانی، بی‌تا، ۳۸۱/۱). امام خمینی رحمته‌الله علیه «لا» در عبارت مذکور را از جنس نهی می‌داند؛ آن‌هم نهی الهی که موجب حرمت باشد بلکه نهی حکومتی و نقش حکومت را در جایگاه مجری احکام و دستورات الهی توضیح می‌دهد. ایشان در بیان مطلب می‌گوید: یکی از شئون پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام جایگاه قضاوت و حکومت بوده است و بر این مبنا هر حکمی که ایشان صادر می‌کردند جنبه الهی

از تراجم تا تکامل:  
مطالعه تطبیقی  
نظریات و مبانی حقوق  
محیط زیست با قاعده  
لا ضرر

۱۰۹

یا ارشادی نداشته بلکه امر مولوی، قضایی و حکومتی بوده است. این گونه احکام نسبت به خداوند جنبه مجازی یا ارشادی دارند اما این مسئله در مورد سایر ائمه علیهم السلام به علت این که حکومت در اختیار نداشتند کمتر ملحوظ است؛ توضیح این که برخی احکام صادره از پیامبر صلی الله علیه و آله به «الفاظ متقدمه» مانند: امر بکذا، فعل بکذا، قضی، حکم، روایت شده است اما روایاتی که با لفظ «قال» آمده است برای اثبات دلالتشان بر «قضا» نیازمند دلیل هستند. با توجه به این که روایاتی که با لفظ «قضی بذلک» و امثال آن وارد شده است بیش از شمارش است نتیجه می گیریم که سخن پیامبر صلی الله علیه و آله در این گونه احادیث جنبه حکومتی و حکم قضایی دارد. نکته بعدی که در ناهیه بودن «لا» به آن توجه می کند این است که در داستان سمره بن جندب که مشهورترین نقل روایت فوق است، فرد نصاری به عنوان یک مشکل حکومتی به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله می رسد نه برای حل مشکل شرعی تا حکم را الهی بدانیم (خمینی، بی تا، ۴۱/۱-۵۸). شیخ الشریعه اصفهانی نیز حرف «لا» را ناهیه می داند (الخشن، ۱۳۹۵، ۱۲۸). به باور آیت الله سیستانی نفی در عبارت «لا ضرر» نفی حکم ضرری است با در نظر گرفتن این که متعلق نفی «ضرر» است؛ منظور «لا ضرر» نفی تسبیب برای جعل حکم ضرری است (سیستانی، ۱۴۱۴، ۱/۱۴۷-۱۴۹). در مورد معنای «ضرار»، می تواند تکرار ضرر رساندن از یک شخص و هم از دو شخص یا چند شخص باشد. دلیل این امر هم قول پیامبر صلی الله علیه و آله است که به سمره فرمود: أنت رجل مضارّ و شخص نصاری به سمره ضرر نزده بود (بجنوردی، بی تا، ۱/۲۱۴).

جستارهای  
فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۱  
تابستان ۱۴۰۲

۱۱۰

### ۳. مستندات عقلی قاعده لا ضرر

قاعده لا ضرر جزو مستقلات عقلیه محسوب می شود؛ یعنی عقل به صورت مستقل حکم می کند که ضرر منفی است و هر کس به دیگری ضرری وارد آورد، باید آن را جبران کند (یثربی و محمودی، ۱۳۹۷، ۹). با دقت بیشتر در معنای ضرر، چهار گونه ضرر قابل تحصیل است: الف) ناشی از طبیعت؛ ب) ناشی از خود انسانها؛ ج) ناشی از قوانین موضوعه برای زندگی فردی و اجتماعی؛ د) ناشی از تراحم حقوق (جعفری تبریزی، ۱۳۴۹، ۱۳۷). مورد نخست را انسانها با توجه به سود و زیان خویش

تفسیر می‌کند؛ مثلاً اگر زلزله به خانه‌شان آسیب زند، می‌گویند زلزله زیان‌ده است. مورد دوم بیانگر این حکم است که گاهی خودخواهی انسانی باعث نادیده گرفتن حقوق دیگران می‌شود. مورد سوم بنا بر حکم عقل است؛ انسان‌ها برای همزیستی در اجتماع باید از برخی تمایلات خویش بگذرند. معنای چهارم گویای این است که در برخی موارد، ضرر ناشی از تراحم حقوق است؛ به این معنی که در هر مکتب اجتماعی حقوقی برای اشخاص قائلند ولی از طرف دیگر این حقوق در مواجهه با حقوق دیگران ممکن است موجب ضرر و اضرار شود لذا در تراحم بین حقوق افراد، به دو تلافی می‌رسیم؛ این که یا حقوق مطلقند یا این که هیچ حق ثابت و مطلق وجود ندارد بلکه تمام حقوق به صورت مرتبط وضع شده‌اند. قاعده لا ضرر در منابع فقه، راه دوم را تأیید می‌کند. شارع مقدس هم نظر به ارتباط زندگی انسان‌ها باهم که منشأ تراحم حقوق خواهد گشت به وضع قانون پرداخته است (جعفری تبریزی، ۱۳۴۹، ۱۳۸-۱۴۹). علمای اهل سنت نیز در بیان مفاد روایت بیان کرده‌اند که این روایت انجام هر خیر و دوری از هر شری را القا می‌کند (ابن عربی، بی تا، ۵۲۷/۲). فقهای فریقین گرچه در هنگام بحث از قاعده لا ضرر سخن از اجماع اصطلاحی نمی‌آورند ولی اگر مقصود از اجماع این باشد که تمام یا اکثر فقهای برجسته، فتوایی دهند که موجب کشف از حجت یا حدس به وجود دلیل قطعی در آن مورد باشد می‌توان به ثبوت قاعده لا ضرر حکم داد (جعفری تبریزی، ۱۳۴۹، ۱۳۵).

بنابراین به‌طور قطع می‌توان گفت: قاعده لا ضرر از نظر فقهای فریقین و تمام مدارک فقه اسلامی تثبیت شده است.<sup>۱</sup> لذا علاوه بر نص و روایت از موضع عقل و اجماع نیز مفاد حدیث «لا ضرر و لا ضرار» نزد علمای فریقین مورد قبول است (ابن عربی، بی تا، ۴۹۹/۱). در واقع باید گفت که مهم‌ترین دلیل بر حجیت قاعده لا ضرر، مدرک و منبع چهارم فقه یعنی عقل است (شریعت اصفهانی، ۱۴۱۰، ۲۴).

۱. هر چند اختلافاتی در رابطه با استفاده از این قاعده در حقوق و تکالیف وجود دارد (جعفری تبریزی، ۱۳۴۹، ۱۳۶).

#### ۴. مهم‌ترین نظریه‌ها و مفاهیم و معانی پنج‌گانه فقهی قاعده لا ضرر

اهم نظریه‌های مطرح شده در قاعده لا ضرر شامل موارد زیر است:

- (۱) نفی ضرر عام؛ در اسلام حکمی که موجب ضرر به معنای عام باشد، وجود ندارد. این حکم می‌تواند شامل انسان، محیط طبیعی و سایر موجودات شود؛
- (۲) نفی آثار و موضوع حکم؛ به بیان دیگر موضوعاتی که دارای حکم هستند اگر موجب زیان شوند، احکام آن‌ها برداشته می‌شود؛
- (۳) نفی ضرر غیر متدارک؛ یعنی کسی که به دیگری ضرری بزند باید آن را تلافی کند و در اسلام چنین ضرری وجود ندارد؛
- (۴) منظور نهی حکومتی است؛ یعنی حاکمیت جامعه اسلامی نسبت به آسیب‌زندگان به «محیط‌زیست» مسئول است و فرد یا افرادی که موجب تخریب زیست‌محیطی می‌شوند را نهی می‌کند؛
- (۵) کنایه از عدم فعل ضرری یا عدم امضاء فعل ضرری در شریعت اسلام است، خواه وضعی باشد یا تکلیفی؛ این بدان معناست که وقتی پیامبر ﷺ این امر را امضا نکند، گویا هیچ اثری از آن در محیط تشریح باقی نمی‌ماند؛ یعنی این موارد نزد من مجاز نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ۱۳۹-۱۴۰).

جستارهای  
فقهی و اصولی  
سال نهم، شماره پیاپی ۳۱  
تابستان ۱۴۰۲

۱۱۲

#### ۵. بازخوانی مبانی و نظریات حقوق محیط‌زیست و توجه به نقاط قوت و

##### ضعف آن‌ها

به مجموع شرایط طبیعی و اجتماعی که بر زندگی فرد یا جامعه اثر می‌گذارد، «محیط‌زیست»<sup>۱</sup> اطلاق می‌شود (جلالیان، ۱۳۹۵، ۱۷۲). «حقوق محیط‌زیست»<sup>۲</sup> عبارت است از مجموعه‌ای از قواعد که در ارتباط با حفظ محیط‌زیست و ارتباط انسان و محیط است. «حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»<sup>۳</sup> به‌عنوان سلسله‌ای از قواعد عرفی و قراردادی بین‌المللی از جدیدترین و

1.Environmental

2.Environmental Law

3.Environmental International Law

گسترده‌ترین شاخه‌های حقوق بین‌الملل عمومی است که جهت تنظیم روابط تابعان حقوق بین‌الملل در زمینه حفاظت از محیط‌زیست ایجاد شده است (جلالیان، ۱۳۹۵، ۱۷۳-۱۷۴). بر اساس این تعاریف، هدف از وضع قوانین محیط‌زیست، در درجه اول حفاظت محیط‌زیست و در نتیجه حفظ سلامت و حقوق انسان‌ها در برهم‌کنش با طبیعت است. بنابراین وضع قوانین زیست‌محیطی بیشتر جنبه پیشگیرانه خواهند داشت (والاس و مارتین ارتگا، ۱۳۹۲، ۳۱۳)؛ چرا که وارد آمدن خسارت به محیط‌زیست در بسیاری موارد جبران‌ناپذیر است (شاه‌حسینی و مشهدی، ۱۳۹۵، ۱۴۶). در واقع محیط‌زیست با توجه به برهم‌کنش‌های انسان و فعالیت‌های او بر طبیعت توصیف می‌شود و فعالیت‌های انسان نیز جنبه‌های مختلفی دارد. امروزه فعالیت‌های صنعتی، کشاورزی و زیستی انسان موجب تخریب و ضرر زدن به محیط‌زیست و تحت تأثیر قرار دادن آن از جنبه‌های مختلف از جمله تغییر اکوسیستم، تغییر آب‌وهوا، از بین رفتن زیبایی طبیعت، در معرض انقراض قرار گرفتن گونه‌های زیستی و جانوری، تلفات شهری و روستایی ناشی از رعایت نکردن حقوق محیط‌زیست است. اکنون این مسئله تبدیل به یک بحران شده و تبعات جدیدی، از جمله مهاجرت که به دنبال آن نیز رقابت انسان بر سر به دست آوردن هرچه بیشتر منابع، را به وجود آورده است. ریشه‌های اندیشه‌ای که امروزه بحران زیست‌محیطی را سبب شده است را می‌توان در عصر روشنفکری جستجو کرد؛ بعد از انقلاب صنعتی تفکر جدایی انسان از طبیعت و تسلط بر آن از سوی دانشمندانی نظیر کانت، پاسکال، فرانسیس بیکن سبب اعتقاد به فقدان شعور و ارزش‌های ذاتی در موجوداتی غیر از انسان شد و «انسان» این حق را به خود می‌داد که به طبیعت آسیب بزند (امین زاده، ۱۳۸۱، ۹۹). در ادامه با بازاندیشی منابع اسلامی، بخشی از کاستی‌های نظریات محیط‌زیست هویدا می‌گردد. نظریات مطرح حقوق محیط‌زیست کنونی شامل: نظریه تقصیر، نظریه خطر (عدم تقصیر) و نظریات مختلط است که نظریه مختلط نیز خود به موارد دیگری از جمله: نظریه فرض تقصیر و نظریه تضمین حق و ... قابل تقسیم است (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۰، ۳۱۵-۳۱۹).

از تراجم ناکامل:  
مطالعه تطبیقی  
نظریات و مبانی حقوق  
محیط‌زیست با قاعده  
لا ضرر  
۱۱۳

## ۵/۱. نظریه تقصیر

این نظریه سنتی ترین نظریه در مسئولیت مدنی زیست محیطی است. بر این اساس خسارات زیست محیطی قابل مطالبه نیستند مگر این که بتوان تقصیر عامل ورود خسارات را اثبات کرد؛ اگر زیان دیده اثبات کند عامل زیان در وارد آمدن خسارت تقصیر داشته مسئول خواهد بود (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۰، ۳۱۶). بر این اساس قواعد مسئولیت مدنی سنتی در ارزیابی خسارت های زیست محیطی ناتوان است. از جمله دلایل ناتوانی و ناکارآمدی این قواعد، کارایی کم آن در پیشگیری از خسارات زیست محیطی است (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۰، ۲۹۰). دلایل عدم موفقیت نظریه تقصیر عبارتند از: انگیزه کم قربانیان برای مطالبه خسارات زیست محیطی، اثبات رابطه سببیت این خسارات، دشواری و در مواردی ناتوانی دادگاه ها از ارزیابی این خسارات (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷، ۲۸۹-۲۹۰). در واقع پذیرش این نظریه امکان جبران بسیاری از خسارات زیست محیطی را دشوار می نماید؛ چرا که اثبات تقصیر در خسارات زیست محیطی برخلاف سایر حوزه ها مشکل است. دشواری این امر بیشتر ناشی از ماهیت خسارت زیست محیطی، تکثر آلوده کنندگان یا آلوده کنندگان متعدد است (بهرامی احمدی و فهیمی، ۱۳۸۶، ۱۳).

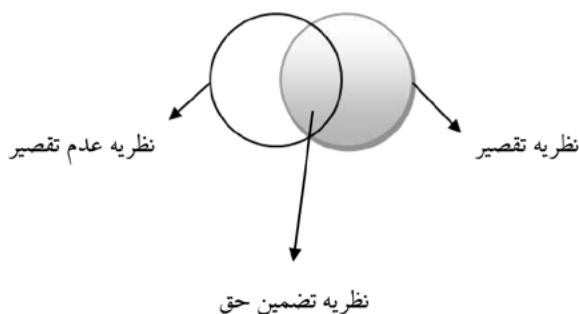
جستارهای  
فقهی و اصولی  
سال نهم، شماره پیاپی ۳۱  
تابستان ۱۴۰۲  
۱۱۴

## ۵/۲. نظریه خطر (عدم تقصیر)

نظریه خطر یا نظریه مبتنی بر عدم تقصیر، حکایت از آن دارد که اگر کسی به فعالیتی بپردازد و محیطی خطرناک برای دیگران فراهم آورد کسی که از این محیط منتفع می شود باید زیان های آن را جبران کند (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۰، ۳۱۶). در نظریه خطر نیاز به اثبات خسارت نیست و همین که زیان به محیط وارد شود موجب ضمان می شود؛ اعم از این که آلوده کننده در واقع تقصیر داشته است یا نه. این نظریه از حیث جبران خسارات زیست محیطی مناسب است ولیکن از جهاتی از جمله: محدود کردن فعالیت های اقتصادی و کاهش انگیزه افراد مورد نقد است (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۰، ۳۱۷).

### ۳/۵. نظریه تضمین حق

بر مبنای این نظریه در راستای تضمین احترام به حق سلامتی، حق حیات و حق محیط‌زیست افراد، اگر شخصی به محیط‌زیست آسیب وارد کند مسئول جبران خسارت است حتی اگر از وی خطایی سر نزده باشد (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۰، ۳۱۸).  
شکل ۱، طرحی از نسبت و همپوشی نظریات حقوق محیط‌زیست را نشان می‌دهد.



شکل ۱: نسبت بین نظریات حقوق محیط‌زیست

### ۶. بازاندیشی مبانی و نظریات حقوق محیط‌زیست در بستر فقه اسلامی با تأکید بر قاعده لا ضرر

پس از توضیح دیدگاه فقها در معنای قاعده «لا ضرر و لا ضرار» و مطرح کردن نظریات حقوق محیط‌زیست کنونی، حال نوبت به بررسی تطبیقی آن معانی با این نظریات شده است تا از پس این کاوش به فهم دقیق و روشنی از کاربرد قاعده «لا ضرر و لا ضرار» در فقه محیط‌زیست و نیز وجوه افتراق و اشتراک نظریات حقوق محیط‌زیست با قاعده لا ضرر دست‌یابیم.

#### ۶/۱. استقصای کامل منابع در فقه محیط‌زیست و هماهنگی مقدمات و

##### نتایج در قاعده لا ضرر

«محیط» یکی از اسمای الهی است. رجوع به آیات قرآن نشان می‌دهد که خداوند بر همه چیز محیط است؛ ﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا﴾ (نساء/۱۲۶). این امر نشان می‌دهد که خداوند محیط‌زیستی بشر

از تراجم تا تکامل:  
مطالعه تطبیقی  
نظریات و مبانی حقوق  
محیط‌زیست با قاعده  
لا ضرر

۱۱۵

است؛ یعنی بدون بحث وحدت وجود، محیط‌زیست فعلی ما همان محیط‌خدایی است (امین‌زاده، ۱۳۸۱، ۱۰۱). این تعبیر قرآنی که خدا بر همه چیز محیط است نقطه آغازین درک محیط‌زیست از منظر اسلام است (محقق داماد، ۱۳۷۳، ۸۰-۸۱). نکته بعدی که از آیه به دست می‌آید، تکلیفی است که انسان نسبت به آسمان‌ها و زمین یا همان محیط‌زیست دارد. یکی از مفاهیم موافق آیه این است که همان‌طور که انسان نسبت به خداوند باید پاسخگو باشد<sup>۱</sup> نسبت به محیط‌زیست خود هم مسئول و مکلف است؛ زیرا آسمان‌ها و زمین از آن خداست. مسئولیت انسان نسبت به محیط‌زیست را در آیه ﴿ثُمَّ لَنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ (تکواثر ۸) روشن‌تر می‌توانیم درک کنیم. از سیاق آیه برمی‌آید که معنای «نعیم» مطلق است؛ یعنی هر چیزی که واژه نعمت بر آن صادق باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۵۲/۲۰). بنابراین محیط‌زیست نه تنها از منظر اسلام از قداست برخوردار است بلکه انسان نسبت به آن مسئولیت دارد. اسلام و بالأخص قاعده لا ضرر زمینه معرفتی و اعتقادی خاصی به فعالیت‌های انسان می‌بخشد. توجه به معنویت مستتر در محیط‌زیست در اسلام بین مذهب و محیط‌زیست یگانگی خاصی به وجود می‌آورد (امین‌زاده، ۱۳۸۱، ۱۰۱). اهمیت قاعده لا ضرر به اندازه‌ای است که شماری از متفکران اسلامی، از آن به‌عنوان راز و رمز هماهنگی اسلام با پیشرفت‌ها و توسعه فرهنگ یاد کرده‌اند (مطهری، ۱۳۶۹، ۱۲۱). همان‌طور که گذشت مرحوم نراقی بیان می‌کند که عامل زیان، موظف به جبران خسارت است. معنای «نفی ضرر غیرمتدارک» در بیان مرحوم نراقی را می‌توان از طریق ملازمه ضرر با جبران و همچنین استفاده از شمول احکام عدمی مورد توجه قرار داد؛ این بدان معناست که اگر در خارج ضرری واقع شود تنها حکم به صرف اضرار کفایت نمی‌کند بلکه باید برای جبران خسارت اقدام شود (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۰، ۳۲۲). لذا این معنا در ارتباط و در راستای نظریه تضمین حق است. در واقع مفاد قاعده لا ضرر، نفی حکمی است که از ناحیه آن ضرر، اعم از آنکه مکلف عالم به این معنی باشد یا نباشد، ناشی می‌شود؛ زیرا الفاظ موضوع برای معنای

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۱

تابستان ۱۴۰۲

۱۱۶

۱. ﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يَضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَنَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (نحل ۹۳).



واقعی هستند. بنابراین به فرموده پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حکم ضرری از صفحه تشریح مرفوع می شود (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ۱/۲۶۴). در حقیقت با حاکمیت قاعده لا ضرر، هر حکم ضرری که در اسلام وارد شده باشد، برداشته می شود و قاعده لا ضرر ناظر بر کلیه احکام ضرری است. لذا «لزوم بیع ضرری» و «وجوب وضوی ضرری» برداشته می شود بدین ترتیب که قاعده لا ضرر در مورد نخست، موجب پیدایش خیار فسخ و در مورد دوم، باعث وجوب تمیم می گردد (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ۲/۴۰-۴۲). دیدگاه شیخ انصاری مدعی این نکته است که احکام مضر به محیط زیست باید برداشته شود و در واقع در اسلام حکمی که موجب ضرر باشد، وجود ندارد. شیخ انصاری معتقد است قاعده لا ضرر در بیان تلافی خسارت از سوی عامل زیان نیست؛ چراکه معنای نافیه «لا» را مرجح می داند (انصاری، ۱۴۱۹ق، ۲/۴۶۱). پس این معنا در ارتباط و در راستای نظریه تقصیر قرار می گیرد. دیدگاه آخوند خراسانی از قاعده لا ضرر جهت وضع قوانین زیست محیطی، نفی آثار و موضوع حکم است (خراسانی، بی تا، ۱/۳۸۱). با دقت در مفهوم و معنایی که آخوند بیان کردند و با توجه به نظریات حقوق محیط زیست، توجه ما را به نظریه تقصیر سوق می دهد؛ توضیح این که نفی آثار به این معناست که ممکن است علی الظاهر حکم، ضرر داشته باشد ولی آثار و نتایجی که از قانون وضع شده به دست می آید به نفع جامعه و محیط زیست است. از دیدگاه امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ قاعده لا ضرر از قواعد حکومتی و قضایی است و در حقیقت این قاعده در بیان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جنبه ارشادی نداشته است و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جایگاه حاکم و مجری دستورات خداوند این حکم را صادر کرده است. از این رو حکومت اسلامی نسبت به حفظ محیط زیست و جلوگیری از آسیب رسیدن به آن مسئولیت دارد و از آنجایی که دولت قیم حقوق افراد جامعه است در برابر حفاظت و بهره برداری کارآمد از محیط زیست به صورت کلی و وکیل حقوق افراد جامعه در برابر عامل زیان در حیطه شخصی است. نقش او بسیار مهم جلوه می کند؛ چراکه عامل تقنین و اجرای احکام بر عهده حکومت به معنای کلی آن است (خمینی، بی تا، ۱/۵۹). این معنا با قوانین جدید بین المللی دارای هماهنگی است؛ زیرا همان طور که بیان شد اعلامیه ریو نسبت به گذشته به نقش

از تراجم تا تکامل:  
مطالعه تطبیقی  
نظریات و مبانی حقوق  
محیط زیست با قاعده  
لا ضرر

۱۱۷

دولت‌ها در حفاظت محیط‌زیست تأکید بیشتری دارد. به باور آیت‌الله سیستانی نفی در عبارت «لا ضرر» نفی حکم ضرری در شریعت اسلام است یعنی حکمی که موجب ضرر باشد، در اسلام وجود ندارد (سیستانی، ۱۴۱۴ق، ۱/۱۴۷) و این معنا در راستای نظریه خطر قرار می‌گیرد. قبلاً گفته شد که علمای اهل سنت نیز در بیان مفاد روایت «لا ضرر و لا ضرار» بیان داشتند که به معنای انجام هر خیر و دوری از هر شرّی است (ابن عربی، بی‌تا، ۲/۵۲۷) و این معنا کنایه از عدم فعل ضرری در شریعت اسلام است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ۱۳۹-۱۴۰). لذا در حقیقت این بیان در ارتباط با نظریه خطر قرار می‌گیرد.

جدول ۱، رابطه معانی قاعده لا ضرر در فقه محیط‌زیست را با نظریات حقوق محیط‌زیست نشان می‌دهد.

جدول ۱: رابطه و ارتباط نظریات قاعده لا ضرر با نظریات حقوق محیط‌زیست					
ردیف	معانی مطروحه	قاعده لا ضرر	نظریه محیط‌زیست	شماره قاعده لا ضرر	شماره نظریه محیط‌زیست
۱	مرحوم نراقی بیان می‌کند که عامل زیان موظف به جبران خسارت است	نفی ضرر غیرمتدارک	نظریه تضمین حق	۳	۳-۴
۲	شیخ انصاری مدعی این نکته است که احکام مضرّ به محیط‌زیست باید برداشته شود	در اسلام حکمی که موجب ضرر وجود داشته باشد نیست	نظریه تقصیر	۱	۱-۴
۳	آخوند خراسانی	نفی آثار و موضوع حکم	نظریه تقصیر	۲	۱-۴

جدول ۱: رابطه و ارتباط نظریات قاعده لا ضرر با نظریات حقوق محیط زیست					
ردیف	معانی مطروحه	قاعده لا ضرر	نظریه محیط زیست	شماره قاعده لا ضرر	شماره نظریه محیط زیست
۴	امام خمینی <small>رحمته الله علیه</small>	نهی حکومتی	انطباق با قوانین جدید بین المللی	۴	(اعلامیه ریو)
۵	به باور آیت الله سیستانی نفی در قاعده لا ضرر، نفی حکم ضرری در شریعت اسلام است	در اسلام حکمی که موجب ضرر به معنای عام وجود داشته باشد نیست	نظریه خطر	۱	۲-۴
۶	بنا بر نظر علمای اهل سنت قاعده لا ضرر، انجام هر خیری و دوری از هر شری را القا می کند	عدم فعل ضرری در شریعت اسلام است	نظریه خطر	۵	۲-۴

از تزاخم تا تکامل:  
مطالعه تطبیقی  
نظریات و مبانی حقوق  
محیط زیست با قاعده  
لا ضرر

۱۱۹

نکته کلیدی در قاعده «لا ضرر» حکومت آن بر تمامی احکام و افعال است حتی در استفاده شخصی، فرد ملزم به رعایت حقوق محیط زیست است (فهیمی و عربزاده، ۱۳۹۱، ۱۹۲). بنابراین بهترین تفسیری که از قاعده «لا ضرر» در قبال «محیط زیست» می توان ارائه داد: جایز نبودن هرگونه فعل و ترک فعل و همچنین قانونی است که منجر به ضرر زدن به محیط زیست از سوی فرد یا افراد در جامعه اسلامی می شود (ابراهیمی سالاری، صالح نیا و لشکری پور، ۱۳۹۲، ۸) ضمن این که همه افراد جامعه نسبت به حفظ و تلاش برای استفاده بهینه از منابع محیط زیست، مسئولیت الهی دارند. می توان از قاعده لا ضرر برای انتخاب بهترین روش و کامل کردن روش ها و نظریات موجود محیط زیست بهره جست و در حقیقت این قاعده ظرفیت ارائه روشی جدید در بیان نظریات حقوقی زیست محیطی را دارد.

## ۲/۶. فواید قاعده لا ضرر در فقه محیط‌زیست

فواید قاعده لا ضرر در فقه محیط‌زیست را به صورت کلی می‌توان این گونه بیان نمود:  
(۱) هیچ ضرری از ناحیه شارع (دین اسلام) بر کسی یا چیزی وارد نمی‌شود. بنابراین انسان‌ها باید بکوشند تا با کاهش تمایلات مادی خویش آسیب کمتری به محیط‌زیست زده و با حفظ حقوق انسان‌های دیگر در بهره‌مندی از مواهب و نیازمندی‌های زیست‌محیطی‌شان در شکل‌گیری جامعه‌ای سالم، آزاد و رو به رشد سهیم باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ۱۸۵).

(۲) هیچ ضرری از ناحیه مکلفین (در بحث ما تمامی انسان‌ها) به یکدیگر وارد نمی‌شود. در بحث حقوق محیط‌زیست چون فرقی بین مکلف به واجبات شرعی دین اسلام و غیر او نیست، نتیجتاً معنای مکلف شخصی می‌شود که قدرت بر انجام فعل اختیاری دارد.

(۳) در رابطه بین افراد تا زمانی که حقوق افراد تراحم و اضرار پیدا نکرده، مشروع است. یکی از نتایج این فایده در فقه محیط‌زیست، زمانی است که به سبب فعل یا ترک فعل یا قانون وضع شده خسارتی متوجه محیط‌زیست و حقوق انسان‌ها در برخورداری از محیط‌زیست نشود، آن قوانین وضع شده ادامه خواهد یافت مگر به سبب تغییر شرایط و موقعیت تراحم ایجاد شود.

(۴) به‌طور کلی قوانین موضوعه تابع شرایط و موقعیت مکانی و زمانی هستند. آنچه اهمیت دارد این است که نتایج این قوانین در همه مکان‌ها و زمان‌ها زیان‌ده نباشند. بنابراین صورت احکام به‌حسب تغییر شرایط اقلیمی، تغییر جمعیت و مسائلی از این دست قابل تغییر هستند.

(۵) در هنگام تراحم دو حکم (قوانین زیست‌محیطی) حکمی که ضررش کمتر است مرجح است. به‌بیان‌دیگر وضع قوانین زیست‌محیطی تابع شرایط زمانی و مکانی است و بسته به موقعیت می‌تواند تغییر کند.

(۶) در شمول قاعده لا ضرر بین احکام وجودی و عدمی فرقی نیست؛ یعنی اگر کوتاهی از فرد یا افرادی موجب اضرار به فرد یا افراد دیگری شود، چنین ضرری به مقتضای قاعده لا ضرر نفی شده و مشروع نیست و موجب ضمان است. در حقیقت

در این قاعده، ضرر به صورت مطلق نفی شده و شامل ضرر به فرد و جمع یا ضرر بر انسان و محیط زیست می شود. شارع ضرر و ضرار را امضاء نکرده است چه مربوط به وجود حکم ضرری باشد یا ضرری که ناشی از عدم یک حکم باشد؛ هر فعل ضرری که به دیگران ضرر می رساند حرام است و در عالم وضع نیز هر معامله ضرری محکوم به بطلان است (مکارم شیرازی، بی تا، ۶۸). برای مثال کوتاهی در اطلاع رسانی وضعیت جوّی اگر موجب زیان شود، عامل ضرر باید تلافی کند. مثال دیگر این که اگر در بهره برداری از معدنی که در جوار روستایی قرار دارد تراحم برای اهالی ایجاد شود صاحب معدن ضامن است. از همین جا بار دیگر نقش حکومت و دولت در قانون گذاری حقوق محیط زیست پررنگ تر می شود؛ چرا که در صورت نبود قانون اگر اضرائی به افراد جامعه وارد شود حکومت ضامن است و مردم حق طلب خواهند داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ۱۸۴). از نظر حقوقی نیز این حق برای کلیه شهروندان وجود دارد که در برخورد با این گونه موارد، نخست با درخواست مستقیم و در صورت امتناع از مراجع قضایی، الزام مقامات مسئول را خواستار شوند (محقق داماد، ۱۳۹۴، ۲۲۸).

از تراحم تا تکامل:

مطالعه تطبیقی  
نظریات و مبانی حقوق  
محیط زیست با قاعده  
لا ضرر

۱۲۱

(۷) حکم به نفی ضرر از باب عزیمت است نه رخصت (محقق داماد، ۱۳۹۴، ۱۶۹-۱۷۸)؛ بدین معنی که ترک فعل ضرری واجب است. پس در صورتی که شخص از روی جهل یا قصور فعل یا ترک فعلی کند که موجب ضرر زدن به محیط زیست شود، حکم شخص مقصّر بر او جاری نیست. در اینجا باید تتبع بیشتری از سوی قانون گذاران و حقوق دانان صورت گیرد که تلافی چگونه خواهد بود. هر چند در جایی که عامل ضرر مقصر هست نیز این وظیفه بر عهده قانون گذار زیر نظر حاکم شرع است.

(۸) در ضرر حکم فرقی بین مکلف به حکم و غیر آن نیست (محقق داماد، ۱۳۹۴، ۲۳۰). از این فایده می توان نتیجه گرفت ضرر زدن به غیر مسلمان از جانب مسلمان هم جایز نیست و موجب ضمان است. همان طور که از داستان سمره نیز مشخص است پیامبر ﷺ حکم به نفع شخص نصاری داد. پس از این جهت فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان نیست. بدین ترتیب یکی از نتایج این معنا فرامذهبی بودن موضوع محیط زیست از دیدگاه اسلام است.

# نمودار خوشه‌ای ۱، وجوه افتراق و اشتراک قاعده لا ضرر در فقه محیط‌زیست را با نظریات حقوق محیط‌زیست نشان می‌دهد.

## نمودار خوشه‌ای ۱: موارد افتراق و اشتراک قاعده لا ضرر در فقه محیط‌زیست با نظریات حقوق محیط‌زیست



### جستارهای فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۱  
تابستان ۱۴۰۲

۱۲۲

## نتیجه‌گیری

یکی از اصول و قواعد مهم فقهی برای حفاظت از محیط‌زیست قاعده لا ضرر است. در قاعده لا ضرر، چون ضرر به صورت مطلق نفی شده، شامل ضرر به فرد و جمع یا ضرر بر انسان و محیط‌زیست می‌شود. شارع ضرر و ضرار را امضا نکرده است؛ چه مربوط به وجود حکم ضرری باشد یا ضرری که ناشی از عدم یک حکم باشد. بنابراین، هر فعل ضرری که به دیگران ضرر می‌رساند حرام است و در عالم وضع نیز هر معامله ضرری محکوم به بطلان است. همچنین با پذیرش امور عدمی در قاعده لا ضرر، این قاعده نقش بازدارنده در تخریب محیط‌زیست را خواهد داشت و قانون‌گذار را مکلف به تدوین قوانین حمایتی از محیط‌زیست می‌کند؛ زیرا فقدان این قوانین موجب ایراد ضرر به منابع طبیعی خواهد بود. علاوه بر آن بررسی کاربرد قاعده لا ضرر در فقه محیط‌زیست حاکی از آن است که دولت و حکومت در قانون‌گذاری به جهت پیشگیری از آسیب رساندن به محیط‌زیست و همچنین حفظ و پاسبانی از حقوق افراد جامعه در برهم‌کنش انسان و طبیعت نقش به‌سزایی دارد. با توجه به اینکه قاعده لا ضرر شامل احکام عدمی هم می‌شود باید اذعان کرد که تضييع حقوق فرد یا افرادی از جامعه باید از طرف عامل زیان تلافی شود. در اینجا دولت نقش پاسبان از حقوق زیست‌محیطی افراد جامعه را دارد. لذا حکم به نهی «لا» در قاعده مزبور نقش حکومت و دولت را در حفظ حقوق زیست‌محیطی افراد جامعه به صورت واضح و پررنگ نشان می‌دهد. در تزاخم بین حقوق افراد جامعه در استفاده از محیط‌زیست، دولت باید به شکلی داوری کند که ضمن مطالبه حق افراد زیان‌دیده از عامل زیان، کمترین آسیب به محیط‌زیست وارد شود. همچنین حکم به نفی «لا» در قاعده لا ضرر نگاهی پیشگیرانه به موضوع آسیب رساندن به محیط‌زیست دارد. لذا حکم به نفی آسیب رساندن محیط‌زیست منحصر به انجام فعل نیست و اگر ترک فعلی هم موجب صدمه زدن به محیط‌زیست یا زیان رساندن به حقوق فرد یا افراد جامعه شود، عامل زیان ضامن است. روشن است که وجود قوانین محکم زیست‌محیطی در پرتوی قاعده لا ضرر می‌تواند در حفظ حقوق افراد جامعه تعیین‌کننده باشد. ترجمه «لا» به نفی ضرر غیرمتدراک، حاکی از این است

از تزاخم تا تکامل:  
مطالعه تطبیقی  
نظریات و مبانی حقوق  
محیط‌زیست با قاعده  
لا ضرر  
۱۳۳

که عامل زیان باید به جبران خسارت پردازد و از این حیث که مطلق است تقصیر و عدم تقصیر او نقشی در جبران خسارت ندارد؛ یعنی در هر صورت ضامن است؛ لذا به دلالت این قاعده می‌توان ضمان قهری صدمه‌زندگان به محیط‌زیست را از طریق نفی ضرر غیرمتدارک و ملازمه ضرر با جبران و هم‌چنین استفاده از شمول احکام عدمی، مورد مذاقه قرار داد. همچنین بین افراد جامعه از حیث مذهب و نژاد فرقی در التزام به قوانین زیست‌محیطی وجود ندارد. البته قوانین زیست‌محیطی به تنهایی ضامن حفاظت محیط‌زیست و طبیعت نیستند و نوع بشر بایستی با کاهش تمایلات و خواسته‌های مادی خویش محیطی سالم و پایدار را فراهم کند. بنابراین طبق قاعده لا ضرر در فقه محیط‌زیست، اخلاق انسانی و کاهش خواسته‌های مادی بشر باید در حفاظت از محیط‌زیست انسانی در کنار تقنین و نقش دولت مورد توجه قرار گیرد.

## منابع

### • قرآن کریم

۱. ابراهیمی سالاری، تقی، صالح نیا، نفیسه، لشکری پور، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی جایگاه محیط‌زیست در اسلام و نقش آن در توسعه پایدار. مقاله‌ارایه شده در اولین همایش ملی پژوهش‌های محیط‌زیست ایران، همدان: دانشکده شهید مفتح، ۱-۱۷.
۲. ابن عربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر. (بی تا). احکام القرآن. بی جا: بی تا.
۳. امین زاده، بهناز (۱۳۸۱). جهان بینی دینی و محیط‌زیست درآمدی به نگرش اسلام بر طبیعت. محیط‌شناسی، (۳۰)، ۹۷-۱۰۶.
۴. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۹ق). فرائد الأصول. چاپ پنجم، قم: مجمع فکر اسلامی.
۵. بجنوردی، میرزا حسن. (بی تا). القواعد الفقهية. قم: نشر الهادی.
۶. بهرامی احمدی، حمید، و فهیمی، عزیزالله (۱۳۸۶). مبانی مسئولیت مدنی زیست‌محیطی در فقه و حقوق ایران. معارف اسلامی و حقوق، (۲)۸، ۱۵۰-۱۲۱.
۷. تاموشات، کریستیان. (۱۳۹۱). حقوق بشر. ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، چاپ دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۸. جعفری تبریزی، محمدتقی. (۱۳۴۹). منابع فقه. تهران: انجمن اسلامی مهندسين شرکت سهامی انتشار.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۱

تابستان ۱۴۰۲

۱۲۴



۹. جلالیان، عسکر. (۱۳۹۵). حقوق بین الملل محیط زیست (مجموعه مقالات). تهران: نشر دادگستر.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت.
۱۱. حسن پور، محسن، موسوی بجنوردی، سید محمد، و ابن تراب، مریم (۱۳۹۸). کاربرد قاعده لا ضرر در حفاظت از محیط زیست و معماری در راستای ارائه مدلی برای شهرسازی اسلامی و ایرانی. فصلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی، ۱۲(۱)، ۲۵۱ - ۲۷۶.
۱۲. حسن زاده، حسن، ادیبی مهر، محمد، داداش نژاد دلشاد، داوود، و باقی زاده، محمد جواد. (۱۳۹۸). نقش قاعده فقهی لا ضرر در مدیریت بحران های محیط زیستی. فصلنامه علمی آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، ۷(۳)، ۱۲۷-۱۴۶.
۱۳. خراسانی، محمد کاظم. (بی تا). کفایة الأصول. بی جا: بی نا.
۱۴. الخشن، حسین احمد. (۱۳۹۵). اسلام و محیط زیست. مترجم حمید رضا شیخی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
۱۵. خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۷ق). انوار الهدایة. چاپ سوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۶. خمینی، سید روح الله. (بی تا). الرسائل العشرة. بی جا: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۷. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۷ق). مصباح الأصول. چاپ پنجم، قم: مطبعة العلمية.
۱۸. روحانی، سید محمد صادق. (۱۴۱۴ق). المسائل المستحدثة. چاپ چهارم، قم: دارالکتاب.
۱۹. سیستانی، سید علی. (۱۴۱۴ق). قاعده لا ضرر ولا ضرار. قم: مکتب سماحة آية الله العظمی سید سیستانی.
۲۰. شاه حسینی، عطیه، و مشهدی، علی (۱۳۹۵). جبران خسارات زیست محیطی بر اساس طرح ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین الملل مبنی بر اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت های خطرناک. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۹(۵۵)، ۱۴۱-۱۶۵.
۲۱. شریعت اصفهانی، فتح الله بن محمد جواد. (۱۴۱۰). قاعده لا ضرر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۲. شهید اول، محمد بن مکی عاملی. (بی تا). القواعد و الفوائد. مصحح سید محسن عبد الهادی حکیم، قم: کتابفروشی مفید.
۲۳. صدر، محمد باقر. (۱۴۲۰). لا ضرر ولا ضرار. تقریر سید کمال حیدری، قم: دارالصادقین.
۲۴. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار الحیاء التراث العربی.
۲۶. فرحی، سید علی. (۱۴۳۰). تحقیق فی القواعد الفقهیه. قم: مؤسسه نشر اسلامی، قم.

از نزاحم تا تکامل:  
مطالعه تطبیقی  
نظریات و مبانی حقوق  
محیط زیست با قاعده  
لا ضرر

۱۲۵

۲۷. فهیمی، عزیز الله و مشهدی، علی. (۱۳۹۰). فقه شیعه و تحول در مبانی مسئولیت مدنی زیست محیطی. فصلنامه حقوق، ۴۱(۱)، ۳۱۳-۳۲۶.
۲۸. فهیمی، عزیزالله، و عربزاده، علی. (۱۳۹۱). مبانی فقهی حقوق محیط زیست. پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۱۳(۳۵)، ۱۸۹-۲۰۹.
۲۹. کاتوزیان، ناصر، و انصاری، مهدی. (۱۳۸۷). مسئولیت ناشی از خسارت های زیست محیطی. فصلنامه حقوق، ۳۸(۲)، ۲۸۵-۳۱۳.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. مصحح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. گوهری، عباس، و بیژنی، مهدی. (۱۳۹۰). مسئولیت مطلق در تخریب محیط زیست از دیدگاه فقهی. فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۷(۲۴)، ۱۱۳-۱۴۶.
۳۲. لواسانی، احمد. (۱۳۷۵). کنفرانس بین المللی محیط زیست در ریو. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۳۳. مایلی، حامد. (۱۳۹۷). بایسته های حفظ محیط زیست در پرتو قواعد فقه. راهبرد توسعه، ۳۳(۳۵)، ۵۷-۳۳.
۳۴. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۷۳). طبیعت و محیط زیست از نگاه اسلام. نامه فرهنگ، ۱۳(۱)، ۷۸-۸۹.
۳۵. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۹۴). الهیات محیط زیست. چاپ دوم، تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۳۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). نظام حقوق زن در اسلام. چاپ چهاردهم، تهران: نشر صدرا.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳). ترجمه قرآن. چاپ دوم، قم: دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۰). قاعده لاضرر. ترجمه و تحقیق: محمدجواد بنی سعید لنگرودی، قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع).
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر. (بی تا). قواعد الفقهیه. قم: مکتب الاسلامیه.
۴۰. موسوی بجنوردی، حسن. (۱۴۰۱ق). قواعد فقهیه. چاپ سوم، تهران: مؤسسه عروج.
۴۱. نراقی، احمد. (۱۴۰۸ق). عوائد الأیام. چاپ سوم، قم: مکتبه بصیرتی.
۴۲. والاس، ریکا، و مارتین اُرتگا، الگا. (۱۳۹۲). حقوق بین الملل. مترجم سیدقاسم زمانی و مهناز بهراملو، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
۴۳. یربسی، سید علی محمد، و محمودی، جواد. (۱۳۹۷). اثبات حکم با قاعده لا ضرر. پژوهش های فقهی، ۱۴(۱)، ۱۰۵-۱۲۵.

## References

### *The Holy Qur'an*

1. al-'Āmilī, Muḥammad Ibn Makkī (al-Shahīd al-Awwal). n.d. *al-Qawā'id wa al-Fawā'id fī al-Fiqh wa al-Uṣūl wa al-'Arabīyya*. Edited by Sayyid 'Abd al-Hādī al-Ḥakīm. Qom: Maktabat al-Mufīd.
2. al-Anṣārī, Murtaḍā Ibn Muḥammad Amin (al-Shaykh al-Anṣārī). 1998/1419. *Farā'id al-Uṣūl*. 5<sup>th</sup>. Qom: Majma' al-Fikr al-Islāmī.
3. Al-Bujnurdī, Mīrzā Ḥasa. n.d. *al-Qawā'id al-Fiqhīyah*. Qom: Nashr al-Hādī.
4. Al-Bujnurdī, Sayyid Muḥammad Ḥasan. 1980/1401. *Qawā'id-i Fiqhīyyi*. Qom: Nashr al-Hādī.
5. Al-Farahī, Sayyid 'Alī. 2009/1430. *Tahqīq fī al-Qawā'id al-Fiqhīyah*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
6. al-Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad Ibn Ḥasan. al-Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad Ibn Ḥasan. 1998/1409. *Tafṣīl Wasā'il al-Shī'a ilā Tahṣīl al-Masā'il al-Shar'ī'a*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Ḥyā' al-turāth.
7. al-Ḥusaynī al-Shīrāzī, al-Sayyid Sadiq. 1993/1417. *al-Masā'il al-Mustaḥditha*. 4<sup>th</sup>. Qom: Dār al-Kitāb.
8. al-Ḥusaynī al-Sīstānī, al-Sayyid 'Alī. 1995/1414. *Qā'idat lā Ḍararr wa lā Ḍirār*. Qom: Maktab al-Sayyid al-Sīstānī.
9. Al-Khashin, Ḥusayn Aḥmad. 2016/1395. *Islām wa Muḥit-i Zīst*. Translated by Ḥamīd Riḍā Sheykhī. Mashhad: Bunyād-i Pazhūhish-hāyi Islāmī.
10. al-Khurāsānī, Muhammad Kāzīm (al-Ākhund al-Khurāsānī). n.d. *Kifāyat al-Ūṣūl*.
11. al-Kulaynī al-Rāzī, Muḥammad Ibn Ya'qūb (al-Shaykh al-Kulaynī). 1987/1407. *al-Kāfi*. 14<sup>th</sup>. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
12. al-Mūsawī al-Khu'ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 1996/1417. *Miṣbāḥ al-Uṣūl*. 5<sup>th</sup>. Taqrīrāt Sayyid Muḥammad Surūr Wā'iz Ḥusaynī. Qom: Maktabat al-Dāwarī.
13. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Ṣayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 2006/1427. *Anwār al-Hidāya fī l-Ta'līqā 'alā al-Kifāya*. 2nd. Tehran: Mu'assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.
14. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Ṣayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). *Al-Rasā'il al-Ushrat*. Mu'assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.
15. al-Narāqī, Aḥmad Ibn Muḥammad Mahdī (al-Fāzil al-Narāqī). 1987/1408. *'Awā'id al-Ayyām fī Bayān Qawā'id al-Aḥkām*. 3<sup>rd</sup>. Qom: Maktabat Baṣīratī.
16. al-Ṣadr, al-Sayyid Muḥammad Bāqir. 1999/1420. *Lā Ḍararr wa Lā Ḍirār*. Edited by Sayyid Kamāl al-Ḥeydarī. Qom: Dār al-Ṣādiqīn.

17. Al-Sharī‘at al-Iṣfahānī, Fathullāh ibn Muḥammad Jawād. 1989/1410. Qā‘idat Lā Ḍararr. Qom: Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.
18. al-Ṭabāṭabā‘ī , al-Sayyid Muḥammad Ḥusayn (al-‘Allāma al-Ṭabāṭabā‘ī ). 1996/1417. *al-Mīzān fi Tafṣīr al-Qur‘ān*. 5<sup>th</sup>. Qom: Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.
19. Al-Ṭūsī al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). n.d. *al-Tibyān fi Tafṣīr al-Qurān*. Edited by al-Sayyid Muḥammad Ṣādiq Āl Bahr al-‘Ulūm. Beirut: Dār Ihyā’ al-Turāth al-‘Arabī.
20. Amīn-Zādih, Bihnāz. 2002/1381. *Jahān Bīnī-yi Dīnī wa Muḥīṭ Zīst Dar Āmadī bih Nigarish-yi Islām bar Ṭabī‘at*. Muḥīṭ Shināsī, 30, 97-106.
21. Bahrāmī Aḥmadī, Ḥamīd; Fahīmī, ‘Azīzullāh. 2007/1386. *Mabānī Mas‘ūliyyat-i Madanī-yi Zīst Muḥīṭ dar Fiqh wa Ḥuqūq-i Irān*. Ma‘ārif-i Islāmī wa Ḥuqūq, 8 (2), 1213-150.
22. Fahīmī, ‘Azīzullāh; Arabzādih, ‘Alī. 2012/1391. *Mabānī-yi Fiqhī-yi Ḥuqūq-i Muḥīṭ Zīst*. Pazhūhishnāmīh-yi Ḥuqūq-i Islāmī, 13(35), 189-209.
23. Fahīmī, ‘Azīzullāh; Mashhadī, ‘Alī. 2011/1390. *Fiqh-i Shī‘ah wa Taḥawwul dar Mabānī-yi Mas‘ūliyyat-i Madanī-yi Zīst Muḥīṭ*. Faṣlnāmīh-yi Ḥuqūq, 41(1), 313-326.
24. Gawharī, ‘Abbās; Bīzhanī, Mahdī. 2011/1390. *Mas‘ūliyyat-i Muṭlaq dar Takhrīb-i Muḥīṭ-i Zīst az Dīdgāh-i Fiqhī*. Faṣlnāmīh-yi Takhasuṣī-yi Fiqh wa Mabānī-yi Ḥuqūq-i Islāmī, 7 (24), 113-146.
25. Ḥasan Zādih, Ḥasan; Adībī Mihr, Muḥammad; Dādāsh Nizhād Dilshād, Dāwūd; Bāqī Zādih, Muḥammad Jawād. 2019/1398. *Naqsh-i Qā‘idih Fiqhī Lā Ḍararr dar Mudīriyyat-i Buhrānāh-yi Muḥīṭ Zīst*. Faṣlnāmīh-yi ‘Ilmī-yi Āmūzish-i Muḥīṭ Zīst wa Tawsi‘ih-yi Pāydar, 7 (3), 127-146.
26. Ḥasanpūr, Muḥsin; Mūsawī Bujnurdī, Sayyid Muḥammad; Ibn Turāb, Maryam. 2019/1398. *Kārburd-i Qā‘idih-yi Lā Ḍararr dar Ḥifāẓat az Muḥīṭ-i Zīst wa Mi‘mārī dar Rāstā-yi Irā‘ih-yi Mudilī Barā-yi Shahr Sāzī-yi Islāmī wa Irānī*. Faṣlnāmīh-yi Nigarish-hāyi Naw dar Jughrāfiyā-yi Insānī, 12(1), 251-276.
27. Ibn ‘Arabī, Muḥammad ibn ‘Abdullāh. *Aḥkam al-Qur‘ān*.
28. Ibrāhīmī Sālārī, Taqī; Šālīḥ-Niyā, Nafsih; Lashkarīpūr, Faṭīmīh. 2013/1392. *Barrasī-yi Jāyigāh-i Muḥīṭ-i Zīst dar Islām wa Naqsh-i Ān dar Tawsi‘ih-yi Pāydar*. The paper presented in the first national conference of environmental researches in Iran, Hamedan: Shahīd Mufīd University, 1-17.
29. Ja‘farī Tabrīzī, Muḥammad-Taqī. 1970/1349. *Manābih-i Fiqh*. Tehran: Anjuman-i Islāmī-yi Muhandisīn-i Shirkat-i Sahāmī-yi Intishār.
30. Jalālīyān, ‘Askar. 2016/1395. *Ḥuqūq-i Beyn al-Milal-i Muḥīṭ-i Zīst*. Tehran: Nashr-i Dādguṣtar.

31. Kātūziyān, Nāṣir; Anṣārī, Maḥdī. 2008/1378. *Mas'ūliyat-i Nāshī az Khisārathā-yi Zīst Muḥīṭī*. Faṣlnāmih-yi Ḥuqū, 38 (2), 285-313.
32. Lawāsānī, Aḥmad. 1996/1375. *International environmental conference in Rio*. Tehran: Daftar-i Muṭāli'āt-i Siyāsī wa Beyn al-Milallī.
33. Makārim Shīrāzi, Nāṣir. 1994/1373. *Tarjumih-yi Qur'ān*. 2<sup>nd</sup>. Dār al-Qur'ān al-Karīm.
34. Makārim Shīrāzi, Nāṣir. 2011/1390. *Qā'idat Lā Ḍararr*. Translated and Edited by Muḥammad Jawād Banī Sa'īd Langarūdī. Qom: Madrasa-yi Imām 'Alī Ibn Abī Ṭālib.
35. Makārim Shīrāzi, Nāṣir. n.d. *Al-Qawā'id al-Fiqhīyah*. Qom: Maktab al-Islāmīyah.
36. Māyilī, Aḥmad. 2018/1397. *Bāyi'stīhā-yi Ḥifẓ-i Muḥīt-i Zīst dar Partu-yi Qawā'id-i Fiqh*. Rāhburd-i Tawsi'ih, (35), 33-57.
37. Muḥāqiq Dāmād, Sayyid Muṣṭafā. 1994/1373. *Ṭab'at wa Muḥīt-i Zīst az Nigāh-i Islām*. Nāmih-yi Farhang, (13), 78-89.
38. Muḥāqiq Dāmād, Sayyid Muṣṭafā. 2015/1394. *Ilāhīyat-i Muḥīt-i Zīst*. 2<sup>nd</sup>. Tehran: Mu'asissih-yi Pazhūhishī-yi Ḥikmat wa Falsafih-yi Iran.
39. Muṭahhari, Murtaḍā (Shahīd Muṭahhari). 1990/1369. *Nizām-i Ḥuqūq-i Zan dar Islām*. 14<sup>th</sup>. Tehran: Nashr-i Ṣadrā.
40. Shāh Ḥusaynī, 'Aṭīyih; Mashhadī, 'Alī. 2016/1395. *Jubrān-i Khisārat-i Zīst Muḥīṭī bar Asās-i Tarḥ-i 2006 Kumīsiyūn-i Ḥuqūq-i Beyn al-Milall Mabnī bar Uṣūl-i Takhṣīṣ-i Ziyān dar Mawārid-i Āsīb-i Farāmarzī-yi Nāshī az Fa'āliyat-hāyi Khaṭarnāk*. Faṣlnāmih-yi Pazhūhishī-yi Ḥuqūq-i 'Umūmī, 19(55), 141-165.
41. Tamoshat, Christian. 2012/1391. *Ḥuqūq-i Bashār*. Translated by Ḥusayn Sharīfī Ṭarāz Kūhī. 2<sup>nd</sup>. Tehran: Bunyād-i Ḥuqūqī-i Mīzān.
42. Wallace, Rebecca; Martin-Ortega, Olga. 2013/1392. *Ḥuqūq-i Beyn al-Milall*. Translated by Sayyid Qāsim Zamānī & Mahnāz Bahrāmī. 4<sup>th</sup>. Tehran: Mu'asissih-yi Muṭāli'āt wa Pazhūhish-hāyi Ḥuqūqī Shahr-i Dānish.
43. Yathribī, Sayyid 'Alī Muḥammad; Maḥmūdī, Jawād. 2018/1397. *Ithbāt-i Ḥukm bā Qā'idih-yi Lā Ḍararr*. Pazhūhish-hāyi Fiqhī, 14 (1), 105-125.